



فصلنامه مدیریت عملیات

سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۴۰۳

ارائه الگوی توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۴

علی زینالی^۱، غفار تازی^۲، هوشنگ تقی زاده^۳

چکیده:

تحقق عدالت آموزشی، یکی از اهداف کلیدی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران می باشد؛ هدفی که مستلزم بازنگری در سیاست ها، ساختارها و فرآیندهای موجود نظام تعلیم و تربیت است. از این رو، پژوهش حاضر باهدف ارائه الگوی توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش انجام شد. این تحقیق از نظر هدف توسعه ای- کاربردی است. راهبرد تحقیق کیفی و برای تحلیل داده ها از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. ابزار گردآوری داده ها، اسناد و مدارک، پژوهش های انجام شده پیرامون عدالت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مصاحبه های نیمه ساختار یافته از ۱۴ نفر خبرگان که به صورت هدفمند انتخاب شدند انجام شد که تا زمان اشباع داده ها ادامه یافت. برای اعتبارسنجی از مشارکتی بودن، اجماع پذیری، کثرت گرایی، مقبولیت و اعتمادپذیری استفاده شد. بر اساس یافته های پژوهش، توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین شامل شش بعد و بیست و دو مؤلفه توسعه زیرساخت های آموزشی در مناطق کم برخوردار، تأمین معلمان متخصص و افزایش کیفیت نیروی انسانی (تأمین معلمان متخصص، افزایش انگیزه و نگهداشت معلمان در مناطق محروم، توزیع عادلانه معلمان در سراسر کشور)؛ استفاده از فناوری های نوین آموزشی؛ حمایت از دانش آموزان محروم و کاهش نابرابری اقتصادی؛ افزایش مشارکت اجتماعی و همکاری بین بخشی؛ اصلاح نظام سنجش و ارزیابی تحصیلی برای توسعه عدالت آموزشی بدست آمد. یافته های این مطالعه نشان می دهد که تحقق عدالت آموزشی در چارچوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مستلزم بازنگری در سیاست گذاری ها، تقویت سازوکارهای اجرایی، و توجه به تفاوت های منطقه ای و فردی در ارائه فرصت های یادگیری است. در صورت نهادینه سازی اصول سند، می توان به ایجاد نظام آموزشی فراگیر، متوازن و پاسخگو نسبت به نیازهای متنوع دانش آموزان در سراسر کشور امید داشت.

واژگان کلیدی: عدالت آموزشی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، برابری فرصت ها، مناطق کم برخوردار، خط مشی گذاری آموزشی

^۱ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، واحد بین المللی ارس، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۲ نویسنده مسئول، استادیار گروه مدیریت، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران، ghaffartani@iaui.ac.ir

^۳ استاد گروه مدیریت، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، taghizadeh@iaut.ac.ir

۱- مقدمه

عدالت از حیاتی‌ترین عامل نهادهای اجتماعی است که آموزش و پرورش نیز بخشی از آن‌ها در جامعه است (مک لود^۱، ۲۰۱۰) و یکی از ویژگی‌های کلیدی جوامع مدرن است (کولی^۲، ۲۰۲۲). عدالت آموزشی به‌عنوان یک چشم‌انداز جهانی و مشترک در جهان تبدیل شده است، به‌طوری‌که تضمین آموزش باکیفیت فراگیر و عادلانه و ارتقای فرصت‌های یادگیری برای همه، به‌عنوان یکی از اهداف سازمان ملل برای توسعه پایدار در سال ۲۰۳۰ تعریف شده است (چنگ^۳، ۲۰۲۳). برقراری عدالت در جامعه یکی از وظایف اصلی دولت‌ها می‌باشد و برقراری عدالت آموزشی نیز در همین راستا است (همتی، ۱۴۰۳). دولت‌ها وظیفه دارند، در قلمرو و اختیارات خویش، شرایط رشد و تعالی مادی و معنوی مردم را فراهم کنند و زمینه تکامل و توازن اجتماعی و دستیابی عادلانه هر کس به حق و حقوقش را فراهم سازند. مردم نیز وظیفه دارند، به تعهدات خود در برابر زمامداران وفا کنند، کارهای جامعه را انجام دهند، مسئولیت پذیر باشند و برای استواری جامعه تلاش کند (صادقی شاهدانی، ۱۳۹۶).

خط‌مشی‌های دولت در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در سند تحولی بنیادین متبادر گشته است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). عدالت محور شدن در ساختار و فرآیند آموزشی از جمله ضروریات است. زیرا در محیط‌های تحصیلی، ادراک حضور عدالت و احساس وجود شرایط عادلانه و رؤیت اصول و قواعد مبتنی بر عدالت از طریق انتقال حس ارزشمندی به دانش‌آموزان، می‌تواند تردیدها و نگرانی‌های ناشی از احساس تضییع حقوق در فضای آموزشی را برطرف کند (ساناگو و نومالی^۴، ۲۰۱۷). عدالت آموزشی از مفاهیمی است که واقعیتی به نام میزان دسترسی دانش‌آموزان، طبقات، جنسیت‌ها، نژادها، فرهنگ‌ها و مناطق متفاوت را به تحصیل

¹ Macleod

² Cole

³ Cheng

⁴ Sanagoo & Nomali

تعریف می‌کنند (نجفی، ۱۳۹۳). سند تحول بنیادین، عدالت آموزشی را به‌عنوان از اصول محوری خود معرفی کرده است. بدون یک الگوی توسعه‌یافته و منسجم، اجرای بندهای مرتبط با عدالت آموزشی در این سند با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. تدوین یک الگوی مشخص، به دولت کمک می‌کند تا اهداف این سند را به‌صورت عملی و اجرایی محقق کنند (قبطاسی و همکاران، ۱۳۹۹).

با این حال، آمار ارائه‌شده توسط مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که ۹۹۲ هزار و ۵۲۱ نفر به دلیل عدم تطابق آموزش مدارس با نیازهای واقعی افراد امکان تدریس ندارند، همچنین مطابق با مفاد سند تحول بنیادین، عدالت آموزشی به معنای دسترسی یکسان تمامی دانش‌آموزان به امکانات، محتوا، روش‌های آموزشی، معلمان توانمند و محیط‌های یادگیری استاندارد است. اما در عمل، به دلایل مختلف، ازجمله توزیع نامتوازن بودجه، کمبود نیروی انسانی متخصص در مناطق محروم، عدم دسترسی به فناوری‌های آموزشی و مشکلات اقتصادی خانواده‌ها، این اصل با چالش‌های اجرایی متعددی روبه‌رو شده است. یکی از مهم‌ترین موانع در تحقق عدالت آموزشی، تفاوت کیفیت آموزشی در مناطق مختلف کشور است. مدارس در مناطق شهری برخوردار از امکانات آموزشی بهتر، معلمان باتجربه و برنامه‌های آموزشی غنی‌تر هستند، درحالی‌که در مناطق روستایی و محروم، کمبود نیروی انسانی متخصص، فرسودگی زیرساخت‌های آموزشی، ضعف در امکانات کمک‌آموزشی و عدم دسترسی به فناوری‌های نوین، باعث کاهش کیفیت آموزش شده است (صفار حیدری و حسین نژاد، ۱۳۹۳). این نابرابری‌ها موجب ایجاد شکاف تحصیلی میان دانش‌آموزان مناطق برخوردار و کم‌برخوردار می‌شود که در تضاد با اهداف سند تحول بنیادین قرار دارد همچنین، مشکلات اقتصادی و معیشتی خانواده‌ها یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر عدالت آموزشی است. بسیاری از دانش‌آموزان به دلیل شرایط مالی نامناسب، مجبور به ترک تحصیل یا ورود زودهنگام به بازار کار می‌شوند که این امر فرصت‌های برابر آموزشی را برای آن‌ها محدود می‌کند. این در حالی است که سیاست‌های حمایتی پیش‌بینی‌شده در سند تحول بنیادین، مانند

مدارس شبانه‌روزی، تغذیه رایگان و کمک‌هزینه‌های تحصیلی، به دلیل مشکلات اجرایی و بودجه‌ای، در بسیاری از موارد به‌طور کامل عملیاتی نشده‌اند.

یکی از مهم‌ترین زیرمجموعه‌ها و مصادیق عدالت، بحث عدالت در نظام تعلیم و تربیت و چگونگی توزیع امکانات و فرصت‌های آموزشی است. عدالت آموزشی بر اساس قانون اساسی به‌عنوان یک فرصت، حق و نیاز همگانی به رسمیت شناخته‌شده، و جمهوری اسلامی ایران در حدود قانون موظف به تأمین آن است. بنا بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، عدالت زمانی در محیط‌های آموزشی برقرار می‌گردد که یادگیرندگان بتوانند به اهداف مختلف ساحت‌های تربیتی دست یابند. بند سه اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آموزش و پرورش و تربیت‌بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح را از جمله وظایف دولت می‌داند. بر اساس اصل سی‌ام نیز دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد (الم خیلی زاده، ۱۴۰۲). واژه عدالت به‌تنهایی یا با ترکیباتی حدوداً ۱۴ بار در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ذکر شده است. تأمین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت‌های تعلیم و تربیت باکیفیت مناسب با توجه به تفاوت‌ها و ویژگی‌های دختران و پسران و مناطق مختلف کشور یکی از اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. بررسی پیشینه‌ای از پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد عدالت آموزشی در نظام آموزش و پرورش کشورها موضوع بسیار مهم بوده و دولت‌ها نقش اساسی در دستیابی به آن دارند و در بررسی این تحقیقات مشخص شد که تاکنون پژوهشی در توسعه عدالت آموزشی بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش صورت نگرفته است. به‌طوری بیشتر تحقیقات انجام‌شده در ایران و خارج از کشور به بررسی عوامل مؤثر بر عدالت آموزشی پرداخته‌اند، در خارج از کشور نیز عمده پژوهش‌ها در حوزه اهمیت عدالت آموزشی که بیشتر در خصوص ابعاد نیروی انسانی برای عدالت آموزشی انجام‌شده است. به‌عبارت دیگر، حجم تحقیقات انجام‌شده در خصوص عدالت آموزشی زیاد بود و هر کدام از منظری آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما آنچه تاکنون در این

زمینه بررسی نگردیده است و دارای خلأ تحقیقاتی می‌باشد و در مطالعات پیشین در آن صورت نگرفته است، توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است که به‌عنوان واحد یکی از مهم‌ترین وظایف دولت برای دستیابی به عدالت دارا می‌باشد و می‌تواند این تحقیق را از سایر تحقیقات صورت گرفته در مورد عدالت آموزشی متمایز سازد.

بنابراین، توسعه عدالت آموزشی می‌تواند با توزیع عادلانه منابع، این شکاف را کاهش دهد (کریمی و کرماج، ۱۴۰۰)، همچنین، در بسیاری از مناطق محروم، کمبود معلمان توانمند و متخصص یکی از موانع اساسی در تحقق عدالت آموزشی است. توسعه عدالت آموزشی، می‌تواند با ارائه مشوق‌های مالی، آموزش‌های حرفه‌ای و شرایط مطلوب شغلی، معلمان را برای تدریس در مناطق کم برخوردار ترغیب کند (تیرگر و ابراهیمی شاهی، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، ضرورت پژوهش حاضر نشان می‌دهد، جمعیت دانش‌آموزی کشور بسیار متنوع است و نیازهای آموزشی مناطق مختلف با یکدیگر متفاوت است. یک الگوی توسعه عدالت آموزشی می‌تواند با در نظر گرفتن این تفاوت‌ها، راهکارهای متناسب با شرایط جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی مناطق مختلف ارائه دهد و از آنجاکه بسیاری از خط‌مشی‌های حمایتی دولت به دلیل عدم تخصیص مناسب بودجه، کارایی لازم را ندارند. تدوین یک الگوی شفاف و علمی برای توزیع منابع مالی و انسانی، می‌تواند از هدر رفت سرمایه‌های آموزشی جلوگیری کرده و بهره‌وری را افزایش دهد.

درنهایت، تحقق عدالت آموزشی نیازمند یک الگوی توسعه‌یافته، بومی و مبتنی بر اسناد بالادستی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. این الگو باید توزیع عادلانه امکانات آموزشی، بهبود کیفیت یادگیری، حمایت از دانش‌آموزان محروم، توانمندسازی معلمان و کاهش شکاف دیجیتالی را به‌عنوان محورهای اصلی خود در نظر بگیرد. بدون وجود چنین الگویی، سیاست‌های عدالت آموزشی به‌صورت پراکنده اجرا شده و نتایج مطلوبی به همراه نخواهند داشت. لذا توسعه عدالت آموزشی، یک ضرورت

انکارناپذیر برای دستیابی به نظام آموزشی عادلانه و پایدار در کشور محسوب می‌شود. بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سؤال زیر است:

توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش چگونه است؟

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

توسعه عدالت آموزشی

عدالت به معنای اعطای حقوق هر فرد به اندازه حقی است که دارد، همچنین عدالت به معنای نهادن هر چیزی در جای خود یا انجام کارها به شیوه‌ای که شایسته آن است (همتی، ۱۴۰۳). روبرت (۲۰۱۷). عدالت را شاخص اصلی توسعه جوامع نیاز درونی بشر و یکی از عوامل مؤثر در تحقق اهداف آموزش و پرورش می‌داند. عدالت آموزشی نیز عبارت است از ایجاد امکانات و فرصت‌های برابر برای طرفین یادگیری که به فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی اشتغال دارند. عدالت آموزشی به بهبود عملکرد فراگیران با توجه به تفاوت‌های فردی در حوزه‌های مختلف آموزشی منجر می‌شود (صفری جعفرلو و افروزه، ۱۴۰۰).

عدالت آموزشی یکی از بحث‌های استراتژیک است، که در سند تحول نیز یکی از راهبردهای اصلی بسط و گسترش عدالت آموزشی می‌باشد و به همین دلیل این بحث اهمیت و ضرورت می‌یابد. درواقع، نبود یا نامتوازن بودن عدالت آموزشی شکاف طبقاتی و فاصله طبقاتی زیاد، نارضایتی و نابهنجاری در جامعه به وجود خواهد آورد (هالر و شاهر^۱، ۲۰۲۴). مفهوم عدالت آموزشی متضمن دلالت‌های خاصی است تدارک تعلیم و تربیت رایگان و تدارک یک برنامه درسی عمومی برای همه کودکان همچنین برخورداری همه آن‌ها از مدارس یکسان با امکانات مشابه بدون توجه به محل سکونتشان ازجمله این دلالت‌ها به شمار می‌روند (میلی بند^۲، ۲۰۰۳) و این امر، مستلزم بازسازی ساختارهای آموزشی ازجمله برنامه‌های آماده‌سازی معلم است. از طریق تقویت

^۱ Harel & Shahr

^۲ Miliband

مالی دولتی از طریق کمک‌هزینه مشارکت کیفیت معلمان است (گالاگر و نواک^۱، ۲۰۲۴).

عدالت آموزشی شامل ابعاد زیادی است که باید در طراحی و اجرای سیستم آموزشی مورد توجه قرار گیرد. (اسلامی هرنندی و همکاران، ۱۳۹۸). بر اساس دایره المعارف فلسفه استنفورد (۲۰۲۳) مهم‌ترین مؤلفه‌های عدالت آموزشی شامل عدالت فرصت آموزشی، عدالت روند آموزشی، عدالت نتیجه آموزشی، عدالت رفتاری و عدالت مالی است. مبانی سند تحول بنیادین برای تحقق عدالت آموزشی از یک‌سو بر پایه‌ی نگرش آرمانی_افلاطونی و با آمیزه‌ای از تفسیر ایدئولوژیک از دین و از سوی دیگر به کمک روشی استنتاجی و عقلانی تدوین گردیده است. واژه عدالت به‌طور انفرادی یا ترکیبی، ۱۴ بار در سند مذکور بیان شده است. در بخش بیانیه ارزش‌ها مربوط به فصل اول (ارزش‌های شماره ۱، ۸ و ۱۶)، فصل چهارم مربوط به بحث درباره هدف‌های کلان (هدف‌های ۱، ۲، ۳)، فصل پنجم مربوط به راهبردهای کلان (راهبرد کلان ۴)، و فصل ششم مربوط به اهداف عملیاتی و راهکارها به واژه عدالت اشاره شده است. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که کلمه عدالت بارها در آن آمده است، بسط و گسترش عدالت آموزشی از راهبردهای اصلی است و توسعه آموزش و پرورش باکیفیت برای تمامی گروه‌های هدف تبیین شده است.

رویکرد محوری این سند راهبردی، عدالت تربیتی است. تحت شرایط موجود، یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها در سند تحول بنیادین، مسئله عدالت آموزشی در کلیه زمینه‌های آن می‌باشد. بررسی راه‌کارهای مطروح در سند تحول نشان‌دهنده این موضوع است که این سند، تأمین و بسط عدالت را متوجه رفع تبعیض مادی و معنوی میان مناطق محروم و مناطق برخوردار و توزیع عادلانه منابع و امکانات و نیز توجه به نیازها و نقش‌های جنسیتی در کنار توجه به ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان می‌داند. در این سند، توجه به تفاوت‌های فردی میان دو جنس دختر و پسر نیز به‌عنوان یکی از

¹ Gallagher & Novak

راهکارهای تحقق عدالت مورد توجه قرار گرفته است و طراحی و تدوین برنامه آموزشی متناسب با نیازها و نقش‌های آنان به عنوان یک راهکار بیان شده است. به عقیده برخی، رجحان دغدغه ایدئولوژیک و سیاسی بر دغدغه‌های مربوط به نیازهای واقعی دانش‌آموزان موجبات ضعف این سند و عدم توفیق آن در تعیین ملاک‌های دقیق عدالت را فراهم آورده است (صبوری کارخانه، ۱۳۹۴: ۲۰۳).

در خصوص عدالت آموزشی و جوانب آن تحقیقاتی در داخل خارج از کشور انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

جدول ۱: پیشینه پژوهش‌های انجام شده

پژوهشگر	عنوان	نتیجه
روشن (۱۴۰۳)	شاخص‌های سنجش عدالت در آموزش عالی	شاخص‌های عدالت در چهار گروه: الف- شاخص فردی (دانشجو) با ۱۶ نشانگر، ب- شاخص سازمانی (دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی) با ۷ نشانگر، پ- شاخص مالی و اقتصادی (سطح خرد و کلان) با ۱۰ نشانگر و ت- شاخص تطبیقی (مقایسه بین‌المللی) با ۱۷ نشانگر تقسیم‌بندی شد
کلانتری و همکاران (۱۴۰۳)	ارائه و اعتبارسنجی الگوی عدالت آموزشی مبتنی بر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات با رویکرد آموزش ترکیبی	اهداف، محتوا، روش‌های آموزشی و ارزیابی به عنوان مقوله‌های اصلی در دستیابی به عدالت آموزشی از طریق ICT و یادگیری ترکیبی شناخته شدند
راه نجات و نگارستانی (۱۴۰۳)	بررسی عدالت آموزشی در پرتو قانون تأسیس و اداره مدارس و مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی	اگرچه ذی‌نفعان آموزش غیردولتی باور داشتند که اجرای قانون مذکور به توسعه عدالت آموزشی در سطح شهر کمک زیادی می‌کند اما درعین حال سایر نیازهای مدارس دولتی کرمان نادیده گرفته می‌شود و درنتیجه قانون یاد شده به عدالت آموزشی، صرفاً نگاهی تک‌بعدی دارد
تکرمان و همکاران (۱۴۰۲)،	رویکردهای عدالت آموزشی (نگاهی به جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران)	اگرچه ذی‌نفعان آموزش غیردولتی باور داشتند که اجرای قانون مذکور به توسعه عدالت آموزشی در سطح شهر کمک زیادی می‌کند اما درعین حال سایر نیازهای مدارس دولتی کرمان نادیده گرفته می‌شود و درنتیجه قانون یاد شده به عدالت آموزشی، صرفاً نگاهی تک‌بعدی دارد

محمدی و سلیمانی (۱۴۰۲)	مرور نظام‌مند عدالت آموزشی در ایران: مفهوم‌پردازی، چالش‌ها و شاخص‌ها	رکن اول به مفهوم‌پردازی عدالت آموزشی می‌پردازد، رکن دوم، چالش‌ها و راهکارهای مطرح‌شده در این حوزه را مرور می‌کند و رکن سوم، دسته‌بندی شاخص‌هایی است که بر مبنای آن‌ها می‌توان در مورد نصیب برابر یا نابرابر آموزش در ایران قضاوت کرد. مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نشانگرها و شاخص‌های به کار گرفته‌شده در پژوهش‌ها، پنج دسته‌ی کلی را شامل می‌شوند. همچنین چالش‌های مطرح‌شده پیرامون عدالت آموزشی در ایران را می‌توان بر مبنای چهار مؤلفه یعنی؛ موجود بودن آموزش، دسترسی به آموزش، سازگاری و مقبولیت تعلیمات، دسته‌بندی کرد.
تکرمان و همکاران (۱۴۰۲)	رویکردهای عدالت آموزشی (نگاهی به جایگاه عدالت آموزشی در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران)	اگرچه ذی‌نفعان آموزش غیردولتی باور داشتند که اجرای قانون مذکور به توسعه عدالت آموزشی در سطح شهر کمک زیادی می‌کند اما درعین‌حال سایر نیازهای مدارس دولتی کرمان نادیده گرفته می‌شود و درنتیجه قانون یاد شده به عدالت آموزشی، صرفاً نگاهی تک‌بعدی دارد
مرحب الاسدی و همکاران (۲۰۲۴)	شناسایی مؤلفه‌های عدالت آموزشی در آموزش و پرورش کشور عراق	۱۳ مؤلفه اصلی شامل دانش‌آموزان، معلمان، مدیران، والدین، تسهیلات آموزشی، تسهیلات پژوهشی، تسهیلات محیطی، تسهیلات مالی - رفاهی، عدالت در جذب و گزینش منابع انسانی، عدالت در پیشرفت و ارتقاء شغلی، عدالت ورزشی در پیشرفت تحصیلی، عدالت در رویه‌ها و خط‌مشی‌گذاری و عدالت ورزشی در دادرسی به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی عدالت آموزشی شناسایی شدند
ژانگ (۲۰۲۴)	مذاکره در مورد ارزش‌های آموزشی: عدالت توزیعی والدین طبقه متوسط چین	یافته‌ها سه ادعای عدالت توزیعی والدین شامل اصول موقعیتی توزیع، جانب‌داری نهادی در توزیع و نماینده کارآفرینی توزیع را نشان می‌دهد. هر ادعا حاوی تفاسیر متناقضی از برابری آموزش است. درحالی‌که والدین وعده برابری طلبانه اصلاح پذیرش هم‌زمان را تحسین می‌کنند، آن‌ها توسعه نامتعادل فعلی مدرسه را می‌شناسند و در یک روش شایسته سالارانه برای احتکار فرصت‌ها مشارکت می‌کنند
گایرین و تنتوری ^۱ (۲۰۲۲)	رهبران آموزشی به‌عنوان مروج عدالت اجتماعی در مدارس اسپانیایی	با توجه به پیچیدگی و تنوع فزاینده در زمینه مدرسه، رهبری برای عدالت اجتماعی بیش از هر زمان دیگری مورد نیاز است. آن‌ها همچنین تأکید می‌کنند که عدالت اجتماعی با رهبری دموکراتیک‌تر، توزیع شده و تحول‌آفرین مدرسه مرتبط است و نشان دهید که رهبرانی که عامل تغییر هستند

۳- روش شناسی تحقیق

^۱ Gairín & Tintore

هدف تحقیق حاضر ارائه الگوی توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. بر این اساس پژوهش حاضر از منظر جهت‌گیری پژوهش رویکرد توسعه‌ای- کاربردی است و برای گردآوری داده‌ها از رویکرد کیفی و برای تفسیر آن‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان تحقیق حاضر، شامل ۱۴ نفر از مدیران آموزش و پرورش، مدیران مدارس و خبرگان دانشگاهی بودند که نسبت به موضوع عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش اطلاعات مناسبی داشتند. نمونه‌گیری به‌دست‌آمده به صورت هدفمند بود. موردتوجه برای انتخاب مشارکت‌کنندگان عبارت‌اند از: خبرگان و اساتید دانشگاه در رشته مدیریت دولتی سابقه پژوهش در زمینه عدالت آموزشی، خبرگان و اساتید دانشگاه در رشته مدیریت آموزشی و علوم تربیتی سابقه پژوهش در زمینه عدالت آموزشی، مدیران مدارس به‌عنوان مجریان سند تحول بنیادین، مدیران آموزش و پرورش به‌عنوان مجریان سند تحول بنیادین و بر اصل اشباع نظری انتخاب شدند که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. فهرست مصاحبه‌شوندگان به تفکیک تحصیلات و تخصص

ردیف	سمت	تحصیلات و رشته تحصیلی	تعداد	مدت مصاحبه (دقیقه)
۱	استاد دانشگاه	دکتری - مدیریت آموزشی	۲	۹۰
۲	استاد دانشگاه	دکتری - علوم تربیتی	۲	۸۰
۳	مدیر مدرسه	دکتری - مدیریت دولتی	۲	۱۲۰
۴	مدیر مدرسه	کارشناسی ارشد - مدیریت آموزشی	۲	۱۲۰
۵	مدیر مدرسه	کارشناسی ارشد	۲	۷۰
۶	مدیریت آموزش و پرورش	دکتری	۲	۹۰
۷	مدیریت آموزش و پرورش	کارشناسی ارشد	۳	۶۰

گردآوری داده‌های کیفی با استفاده از اسناد و مدارک، پژوهش‌های انجام شده پیرامون عدالت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مصاحبه با افراد مطلع در این زمینه انجام شد، مصاحبه‌ها به‌صورت نیمه ساختاریافته بود و تا زمانی ادامه یافت که محققین احساس کردند که داده‌ها به‌صورت تکراری بوده و به حد اشباع رسیده است. از

مصاحبه‌شوندگان خواسته شد که اطلاعات و نظرات خود را پیرامون موضوع بیان کنند. در بعضی مواقع نیز سؤالاتی در خصوص برخی از زمینه‌های خاص بیان گردید تا آن‌ها توضیحات مبسوطی را عنوان کنند. زمان مصاحبه متغیر بوده و از ۶۰ دقیقه تا ۱۲۰ دقیقه طول کشید. برای تأییدپذیری پژوهش از استراتژی مشارکتی بودن، اجماع‌پذیری، کثرت‌گرایی، مقبولیت و اعتمادپذیری استفاده شد. برای استخراج مفاهیم از میان اطلاعاتی که در طول مصاحبه به‌دست‌آمده، عمل کدگذاری انجام می‌گیرد. در این تحقیق برای شکل‌گیری مفاهیم و مقوله‌ها از کدگذاری اولیه و ثانویه و خلق معانی و مفاهیم استفاده شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

کار تعلیم و تربیت دامن‌های وسیعی دارد و کالبدشکافی و بررسی ریزتر آن می‌تواند کمک بیشتری به برنامه ریزان کلان تعلیم و تربیت کشور بنماید. به‌منظور دستیابی به یک جامعه توسعه‌یافته دو مقوله آموزش و عدالت از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار هستند. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، دولت به منظور توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین نیازمند توجه به شش بعد توسعه زیرساخت‌های آموزشی در مناطق کم‌برخوردار، تأمین معلمان متخصص و افزایش کیفیت نیروی انسانی، استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی، حمایت از دانش‌آموزان محروم و کاهش نابرابری اقتصادی، افزایش مشارکت اجتماعی و همکاری بین‌بخشی، اصلاح نظام سنجش و ارزیابی تحصیلی برای توسعه عدالت آموزشی است.

بدین ترتیب برای تحلیل مصاحبه‌ها مراحل زیر انجام‌شده است. نمونه‌ای از کدگذاری اولیه در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. نمونه‌ای از کدگذاری اولیه

خلاصه متن اصلی مصاحبه	مفاهیم اولیه
اجرای عدالت آموزش نیازمند توسعه زیرساخت‌های آموزشی در مناطق کم برخوردار است. برای این امر نیازمند احداث و نوسازی مدارس در مناطق کم برخوردار است.	توسعه زیرساخت‌های آموزشی در مناطق کم برخوردار. احداث و نوسازی مدارس در مناطق کم برخوردار.
تأمین فضای استاندارد آموزشی نیازمند نوسازی و مقاوم‌سازی مدارس فرسوده است و مناطق روستایی و حاشیه‌نشین به‌منظور کاهش تراکم دانش‌آموزان در کلاس‌های درس.	نوسازی و مقاوم‌سازی مدارس فرسوده برای تأمین فضای آموزشی افزایش تعداد مدارس در مناطق روستایی و حاشیه‌نشین به‌منظور کاهش تراکم دانش‌آموزان در کلاس‌های درس
نیروی انسانی یکی از مهم‌ترین ابزارهای برای توسعه عدالت آموزشی است که باید به صوت عادلانه نیروی انسانی و افزایش کیفیت معلمان توزیع شود. برای این کار نیازمند افزایش جذب و نگهداشت معلمان ماهر با توجه به مناطق کم برخوردار است که مزایای مالی و رفاهی مناسبی برای آن‌ها داده شود.	توزیع عادلانه نیروی انسانی و افزایش کیفیت معلمان. جذب و نگهداشت معلمان ماهر ارائه مزایای مالی و رفاهی برای نگهداشت معلمان در مناطق محروم
لازمه عدالت ایجاد مدارس شبانه‌روزی در مناطق دورافتاده برای دانش‌آموزانی که به مدارس نزدیک دسترسی ندارند، می‌باشد. از سوی دیگر، نیازمند تأمین تجهیزات و امکانات آموزشی استاندارد می‌باشد برای این امر نیز باید، تجهیز مدارس به امکانات اولیه مانند میز و نیمکت تخته هوشمند، وسایل کمک‌آموزشی و آزمایشگاه موردتوجه قرار گیرد.	ایجاد مدارس شبانه‌روزی در مناطق دورافتاده برای دانش‌آموزانی که به مدارس نزدیک دسترسی ندارند. تأمین تجهیزات و امکانات آموزشی استاندارد تجهیز مدارس به امکانات اولیه مانند میز و نیمکت استاندارد، تخته هوشمند، وسایل کمک‌آموزشی و آزمایشگاه

کدگذاری ثانویه یا محوری: در این مرحله، به مجموعه‌ای از مفاهیم مشترک، عنوانی تعلق می‌گیرد. در این مرحله، مقوله‌های استخراج‌شده در قالب الگو ارائه گردید (جدول شمار ۴).

جدول ۴. کدگذاری ثانویه مصاحبه‌های انجام‌شده بر اساس مؤلفه‌ها و نتایج کدگذاری

مؤلفه	شاخص
تأمین تجهیزات و امکانات آموزشی استاندارد	- تجهیز مدارس به امکانات اولیه مانند میز و نیمکت استاندارد، تخته هوشمند، وسایل کمک‌آموزشی و آزمایشگاه - راه‌اندازی کتابخانه‌های دیجیتال و سنتی در مناطق محروم - ایجاد کارگاه‌های مهارتی و فنی‌وحرفه‌ای برای افزایش یادگیری کاربردی دانش‌آموزان
احداث و نوسازی مدارس در مناطق محروم	- نوسازی و مقاوم‌سازی مدارس فرسوده برای تأمین فضای آموزشی - افزایش تعداد مدارس در مناطق روستایی و حاشیه‌نشین به‌منظور کاهش تراکم دانش‌آموزان در کلاس‌های درس - ایجاد مدارس شبانه‌روزی در مناطق دورافتاده برای دانش‌آموزانی که به مدارس نزدیک دسترسی ندارند
گسترش زیرساخت‌های فناوری آموزشی	- ایجاد کلاس‌های هوشمند و ارائه محتوای آموزشی دیجیتال برای مناطق محروم - توزیع تبلت و لپ‌تاپ دانش‌آموزی برای کاهش شکاف دیجیتالی در فرآیند یادگیری - توسعه اینترنت و شبکه‌های ارتباطی در مدارس مناطق کم‌برخوردار

خلق معانی و مفاهیم: در این مرحله، با تجمیع مفاهیم مشترک با استفاده از کدگذاری انتخابی، به‌طور منظم، مقوله‌های اصلی با سایر مقوله‌ها مرتبط شده و از طریق اعتبار بخشیدن به این روابط، مدل نهایی ارائه می‌گردد.

جدول ۵. ابعاد و مؤلفه‌های توسعه زیرساخت‌های آموزشی در مناطق کم‌برخوردار در توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین (یافته‌های پژوهش)

بعد	مؤلفه	شاخص
توسعه زیرساخت‌های آموزشی در مناطق کم‌برخوردار	احداث و نوسازی مدارس در مناطق محروم	- نوسازی و مقاوم‌سازی مدارس فرسوده برای تأمین فضای آموزشی - افزایش تعداد مدارس در مناطق روستایی و حاشیه‌نشین به‌منظور کاهش تراکم دانش‌آموزان در کلاس‌های درس - ایجاد مدارس شبانه‌روزی در مناطق دورافتاده برای دانش‌آموزانی که به مدارس نزدیک دسترسی ندارند.

- ایجاد کلاس‌های هوشمند و ارائه محتوای آموزشی دیجیتال برای مناطق محروم	
تأمین تجهیزات	- توزیع تبلت و لپ‌تاپ دانش‌آموزی برای کاهش شکاف فناوری آموزشی
- توسعه اینترنت و شبکه‌های ارتباطی در مدارس مناطق کم برخوردار	
- تجهیز مدارس به امکانات اولیه مانند میز و نیمکت تأمین تجهیزات و	
امکانات آموزشی	استاندارد، تخته هوشمند، وسایل کمک‌آموزشی و آزمایشگاه
- راه‌اندازی کتابخانه‌های دیجیتال و سنتی در مناطق محروم استاندارد	
- ایجاد کارگاه‌های مهارتی و فنی‌وحرفه‌ای برای افزایش یادگیری کاربردی دانش‌آموزان	

عدالت آموزشی به‌عنوان یکی از اصول بنیادین هر نظام تعلیم و تربیت، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران جایگاهی محوری دارد. تحقق این اصل نیازمند فراهم‌سازی شرایط برابر برای یادگیری و دسترسی عادلانه به امکانات آموزشی در سراسر کشور، به‌ویژه در مناطق کم برخوردار است. یکی از مؤلفه‌های کلیدی در این مسیر، توسعه زیرساخت‌های آموزشی است؛ زیرساخت‌هایی که شامل فضاهای فیزیکی، تجهیزات آموزشی، فناوری اطلاعات، نیروی انسانی مجرب و سامانه‌های پشتیبانی می‌شود. پیشران عدالت آموزشی، توسعه زیرساخت‌های آموزشی در مناطق کم برخوردار است که اقدامی اساسی برای کاهش نابرابری‌ها و تضمین حق آموزش برای همه به شمار می‌رود. این توسعه شامل احداث و نوسازی مدارس در مناطق محروم، گسترش زیرساخت‌های فناوری آموزشی و تأمین تجهیزات و امکانات آموزشی استاندارد است. مدارس، به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای آموزشی و اجتماعی، نقش بی‌بدیلی در ارتقای سرمایه انسانی و تحقق عدالت آموزشی ایفا می‌کنند. گسترش زیرساخت‌های فناوری آموزشی به تجهیز مدارس مناطق محروم به امکانات فناورانه از جمله اتصال به اینترنت پرسرعت، تأمین رایانه و تبلت برای دانش‌آموزان و معلمان، نصب سامانه‌های آموزشی دیجیتال، آموزش معلمان برای استفاده از فناوری‌های نوین، و راه‌اندازی کلاس‌های هوشمند اطلاق می‌شود. تأمین تجهیزات و امکانات آموزشی استاندارد به فرآیند

فراهم‌سازی و تجهیز مدارس با امکانات و ابزارهای آموزشی ضروری برای ارتقاء کیفیت یادگیری و تدریس گفته می‌شود. این امکانات شامل لوازم اولیه مانند میز و صندلی، تابلو و وسایل کمک‌آموزشی، و همچنین تجهیزات پیشرفته‌تری مانند کامپیوتر، اینترنت، نرم‌افزارهای آموزشی و وسایل کمک‌آموزشی دیجیتال هستند. هدف این اقدام، فراهم کردن شرایط یکسان برای همه دانش‌آموزان به‌ویژه در مناطق کم برخوردار است تا تمامی کودکان بتوانند از آموزش باکیفیت و فرصت‌های یادگیری برابر بهره‌مند شوند.

جدول ۶. ابعاد و مؤلفه‌های تأمین معلمان متخصص و افزایش کیفیت نیروی انسانی در توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین (یافته‌های پژوهش)

مؤلفه	بعد	شاخص
تأمین معلمان متخصص و افزایش کیفیت نیروی انسانی	تأمین معلمان متخصص	- ایجاد نظام آموزش ضمن خدمت مستمر برای به‌روزرسانی مهارت‌های تدریس معلمان
		- برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های مهارت افزایی برای ارتقای سطح علمی و روش‌های نوین تدریس
		- برگزاری دوره‌های آموزشی برای معلمان جهت آشنایی با شیوه‌های تدریس دیجیتال
		- ایجاد شبکه‌های ارتباطی آنلاین بین معلمان برای تبادل تجربیات آموزشی
تأمین معلمان متخصص و افزایش کیفیت نیروی انسانی	تأمین معلمان متخصص	- ارائه مزایای مالی و رفاهی برای نگهداشت معلمان در مناطق محروم
		- حقوق و مزایای ویژه برای معلمان مناطق کم برخوردار
		- افزایش حقوق و مزایای معلمان مناطق محروم برای تشویق آنان به تدریس در این مناطق مختلف کشور
		- ایجاد بسته‌های حمایتی شامل مسکن، بیمه و خدمات رفاهی برای معلمان مناطق محروم
تأمین معلمان متخصص و افزایش کیفیت نیروی انسانی	تأمین معلمان متخصص	- اعطای امتیازات استخدامی و ارتقای شغلی برای معلمان شاغل در مناطق کمتر توسعه‌یافته
		- ایجاد نظام تشویقی برای معلمان برتر در این مناطق از طریق جوایز و فرصت‌های شغلی بهتر
		- الزام به خدمت در مناطق کم برخوردار
		- ارتقای شغلی معلمان در مناطق کم برخوردار
تأمین معلمان متخصص و افزایش کیفیت نیروی انسانی	تأمین معلمان متخصص	- توزیع عادلانه معلمان در سراسر کشور
		- بومی‌گزینی در جذب معلمان
		- توسعه مراکز تربیت‌معلم با رویکردهای نوین آموزشی
		- افزایش سهمیه پذیرش دانشگاه‌های فرهنگیان برای مناطق محروم

در نظام‌های آموزشی کارآمد، نیروی انسانی به‌ویژه معلمان، نقش محوری در کیفیت و عدالت آموزشی ایفا می‌کنند. بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، معلم به‌عنوان رکن اصلی تعلیم و تربیت شناخته‌شده و تربیت و تأمین معلمان توانمند، متعهد و متخصص از الزامات اساسی در راستای تحقق اهداف این سند است. از این منظر، توزیع عادلانه معلمان متخصص و ارتقاء کیفیت حرفه‌ای آن‌ها در مناطق مختلف کشور، به‌ویژه در مناطق کم برخوردار، نقشی کلیدی در تحقق عدالت آموزشی دارد.

تأمین معلمان متخصص و افزایش کیفیت نیروی انسانی یک فرآیند چندبعدی است که به عوامل مختلفی چون برنامه‌ریزی آموزشی، آموزش مستمر، شرایط کاری و فناوری‌های آموزشی بستگی دارد. برای برقراری عدالت آموزشی و ارتقاء کیفیت آموزش در مناطق محروم، نیاز است که به این مقوله توجه ویژه‌ای شود. از آنجاکه معلمان نقش اساسی در فرآیند یادگیری دارند، تقویت مهارت‌های آنان می‌تواند موجب ارتقاء سطح آموزش در سراسر کشور شود. این اقدامات شامل تأمین معلمان متخصص، افزایش انگیزه و نگهداشت معلمان در مناطق محروم و توزیع عادلانه معلمان در سراسر کشور است.

تأمین معلمان متخصص و افزایش کیفیت نیروی انسانی به اقداماتی اطلاق می‌شود که منجر به جذب و نگهداشت معلمان با تخصص‌های مورد نیاز، به‌ویژه در رشته‌های کلیدی و مناطق محروم می‌شود. افزایش انگیزه معلمان در مناطق محروم نیز برای ارتقاء کیفیت آموزشی و بهبود وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان این مناطق اهمیت ویژه‌ای دارد. این موضوع شامل عوامل مختلفی می‌شود که در نهایت منجر به بهبود روحیه و عملکرد معلمان و افزایش ماندگاری آنان در این مناطق خواهد شد. انگیزه می‌تواند درونی (مثل علاقه به شغل معلمی یا احساس مسئولیت نسبت به جامعه) یا بیرونی (مثل پاداش‌های مالی، مزایا و ارتقاء شغلی) باشد. در مناطق محروم، معلمان به دلایل مختلف از جمله مشکلات اقتصادی، اجتماعی، و شغلی با چالش‌های بزرگی روبه‌رو هستند که بر انگیزه و تمایل آن‌ها برای ادامه کار تأثیر می‌گذارد.

جدول ۷. ابعاد و مؤلفه‌های استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی در توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین (یافته‌های پژوهش)

مؤلفه	بعد	شاخص
استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی	توسعه آموزش مجازی و یادگیری ترکیبی	- ایجاد سامانه‌های آموزش از راه دور برای تدریس به دانش‌آموزان مناطق محروم توسط معلمان مجرب - راه‌اندازی کلاس‌های مجازی و استفاده از محتوای الکترونیکی جهت بهبود فرآیند یادگیری در مناطق کم برخوردار - گسترش شبکه‌های آموزشی تلویزیونی و آنلاین برای ارائه آموزش‌های مکمل - ایجاد بسترهای یادگیری ترکیبی (حضوری و آنلاین) برای کاهش شکاف دیجیتالی
	توسعه زیرساخت‌های فناوری	- افزایش دسترسی به اینترنت پرسرعت در مدارس مناطق کم برخوردار - توسعه زیرساخت‌های فناوری آموزشی در مدارس
	توسعه فناوری آموزشی در مدارس	- توسعه سامانه‌های مدیریت یادگیری (LMS) برای مدارس جهت ارائه آموزش‌های آنلاین و آفلاین - بسترهای یادگیری ترکیبی (حضوری و مجازی) برای دانش‌آموزان مناطق کم برخوردار - افزایش استفاده از کلاس‌های مجازی تعاملی به‌ویژه در مناطق روستایی و مرزی

در عصر تحولات سریع فناورانه، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین آموزشی به یکی از شاخص‌های اصلی توسعه نظام‌های آموزشی تبدیل شده است. در نظام آموزش و پرورش ایران، سند تحول بنیادین با رویکردی عدالت محور، بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور ارتقاء کیفیت یاددهی-یادگیری، توسعه عدالت آموزشی، و کاهش نابرابری‌های آموزشی در مناطق مختلف کشور تأکید دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌های تحقق عدالت آموزشی، محرومیت زیرساختی و انسانی در مناطق کم برخوردار است که موجب محدود شدن دسترسی دانش‌آموزان به آموزش باکیفیت می‌شود. استفاده از فناوری‌های نوین به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد که به منابع آموزشی و محتوای دیجیتال به‌طور نامحدود دسترسی داشته باشند، بدون آن‌که محدود به زمان یا مکان خاصی باشند. فناوری‌های نوین آموزشی کاربردهای گسترده‌ای در

سیستم‌های آموزشی دارند که عبارت‌اند از: توسعه آموزش مجازی و یادگیری ترکیبی و توسعه زیرساخت‌های فناوری آموزشی در مدارس.

توسعه آموزش مجازی و یادگیری ترکیبی می‌تواند به‌ویژه در مناطق محروم نقش مهمی در بهبود دسترسی به آموزش باکیفیت و رفع چالش‌های مرتبط با کمبود معلمان، منابع آموزشی و زیرساخت‌های فیزیکی ایفا کند. با توجه به مزایای این نوع آموزش‌ها، می‌توان از آن‌ها به‌عنوان ابزاری برای ارتقاء کیفیت یادگیری در سراسر کشور، به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته، بهره‌برداری کرد. اجرای این رویکردها به تدابیر لازم در زمینه زیرساخت‌های فناوری، آموزش معلمان و توسعه محتوای دیجیتال بستگی دارد. همچنین زیرساخت‌های فناوری آموزشی به مجموعه‌ای از ابزارها، تجهیزات، نرم‌افزارها، پلتفرم‌ها و شبکه‌های دیجیتال اطلاق می‌شود که برای تسهیل فرآیند یاددهی و یادگیری در مدارس به کار می‌روند. این زیرساخت‌ها شامل دستگاه‌های سخت‌افزاری (کامپیوتر، تبلت، تخته‌های هوشمند)، نرم‌افزارهای آموزشی، اینترنت پرسرعت، و سیستم‌های مدیریت یادگیری آنلاین هستند. توسعه این زیرساخت‌ها نقش مهمی در ایجاد محیطی پویا و تعاملی برای آموزش دارد.

جدول ۸. ابعاد و مؤلفه‌های حمایت از دانش‌آموزان محروم و کاهش نابرابری اقتصادی در توسعه عدالت آموزشی
مبتهی بر سند تحول بنیادین (یافته‌های پژوهش)

بعد	مؤلفه	شاخص
حمایت از دانش‌آموزان محروم و کاهش	ارائه حمایت‌های رفاهی و اجتماعی برای دانش‌آموزان مناطق محروم	- تأمین وسایل حمل‌ونقل رایگان و ایمن برای دانش‌آموزان مناطق دورافتاده - توسعه برنامه‌های تغذیه رایگان در مدارس مناطق محروم برای کاهش مشکلات اقتصادی خانواده‌ها - حمایت از دانش‌آموزان محروم و کاهش نابرابری اقتصادی

بعد	مؤلفه	شاخص
نابرابری اقتصادی	تأمین رایگان یا یارانه‌ای ملزومات آموزشی	- ارائه نسخه‌های رایگان کتاب‌های درسی و کمک‌آموزشی به دانش‌آموزان مناطق کم‌برخوردار - ایجاد بسته‌های یادگیری متنوع برای مناطق محروم، شامل کتاب، فیلم‌های آموزشی و نرم‌افزارهای تعاملی - ارائه بورسیه تحصیلی و کمک‌های مالی برای دانش‌آموزان کم‌بضاعت - ایجاد بسته‌های حمایتی شامل لباس فرم و کفش مدرسه برای جلوگیری از ترک تحصیل
	بهبود تغذیه و سلامت دانش‌آموزان محروم	- اجرای برنامه تغذیه رایگان در مدارس مناطق کم‌برخوردار - برگزاری معاینات پزشکی و دندانپزشکی رایگان - توزیع مکمل‌های تغذیه‌ای و شیر رایگان - توسعه برنامه‌های تغذیه رایگان در مدارس مناطق محروم برای کاهش مشکلات اقتصادی خانواده‌ها
افزایش دسترسی به امکانات آموزشی و فرهنگی	توسعه مدارس شبانه‌روزی و خوابگاه‌های دانش‌آموزی	- ایجاد خوابگاه‌های رایگان یا کم‌هزینه برای دانش‌آموزان کم‌برخوردار - تخصیص یارانه برای تأمین وعده‌های غذایی در مدارس شبانه‌روزی - افزایش تعداد مدارس شبانه‌روزی در مناطق محروم و روستایی
	افزایش دسترسی به امکانات آموزشی و فرهنگی	- برگزاری اردوهای آموزشی و فرهنگی رایگان برای دانش‌آموزان مناطق کم‌برخوردار - برنامه‌های فوق‌برنامه، ورزشی و مهارتی در مدارس کم‌برخوردار - ایجاد و تجهیز کتابخانه‌های عمومی و مدارس مناطق محروم

عدالت آموزشی، مفهومی فراتر از صرف دسترسی به مدرسه یا کلاس درس است و دربرگیرنده مجموعه‌ای از سیاست‌ها، اقدامات و حمایت‌هایی است که تضمین می‌کند همه دانش‌آموزان، فارغ از وضعیت اقتصادی، اجتماعی یا جغرافیایی خود، از فرصت‌های آموزشی باکیفیت برخوردار باشند. در همین راستا، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با رویکردی عدالت محور، بر شناسایی و حمایت ویژه از دانش‌آموزان محروم و کاهش نابرابری‌های ناشی از فقر اقتصادی تأکید کرده است. در بسیاری از مناطق کشور، فقر اقتصادی خانواده‌ها نه تنها موجب ترک تحصیل دانش‌آموزان می‌شود، بلکه کیفیت یادگیری آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. عدم دسترسی به لوازم التحریر، لباس مناسب، غذای کافی، کلاس‌های تقویتی یا حتی معلمان توانمند، باعث می‌شود شکاف

آموزشی بین اقشار برخوردار و کم برخوردار روزبه‌روز عمیق‌تر شود. چنین نابرابری‌هایی در تضاد آشکار با اهداف اعلام‌شده سند تحول بنیادین قرار دارد که تعلیم و تربیت را حق همگانی و برابر می‌داند. بر اساس نتایج پژوهش، حمایت‌ها شامل: ارائه حمایت‌های رفاهی و اجتماعی برای دانش‌آموزان مناطق محروم، تأمین رایگان یا یارانه‌ای ملزومات آموزشی، بهبود تغذیه و سلامت دانش‌آموزان محروم، توسعه مدارس شبانه‌روزی و خوابگاه‌های دانش‌آموزی و افزایش دسترسی به امکانات آموزشی و فرهنگی است.

حمایت‌های رفاهی و اجتماعی برای دانش‌آموزان مناطق محروم به مجموعه‌ای از خدمات و تسهیلات اطلاق می‌شود که باهدف کاهش فشارهای اقتصادی، بهبود وضعیت زندگی، افزایش انگیزه تحصیلی و ارتقای کیفیت آموزش در اختیار دانش‌آموزان نیازمند قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، دانش‌آموزان مناطق کم برخوردار اغلب به دلیل وضعیت نامطلوب اقتصادی، امکان تهیه کامل ملزومات آموزشی را ندارند که نیازمند تأمین رایگان یا یارانه‌ای ملزومات آموزشی و شامل مجموعه‌ای از اقدامات حمایتی است که در راستای برقراری عدالت آموزشی و رفع موانع یادگیری برای دانش‌آموزان محروم صورت می‌گیرد. سلامت جسمی و روانی، از پیش‌نیازهای اساسی برای یادگیری مؤثر و موفقیت تحصیلی است و در برگیرنده سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات هدفمند اطلاق می‌شود که باهدف ارتقای وضعیت تغذیه‌ای، بهداشتی و سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان در مناطق کم برخوردار طراحی و اجرا می‌گردد. در نهایت، توسعه مدارس شبانه‌روزی و خوابگاه‌های دانش‌آموزی نه‌تنها به‌عنوان راهکاری برای حل مشکل جغرافیایی در آموزش بلکه به‌عنوان بستری برای تحقق عدالت آموزشی و پرورش متوازن دانش‌آموزان مناطق محروم شناخته می‌شود. این راهبرد، بستری مناسب برای آموزش مستمر، رشد روانی و اجتماعی و آینده‌سازی برای قشر کم برخوردار جامعه فراهم می‌سازد.

جدول ۹. ابعاد و مؤلفه‌های افزایش مشارکت اجتماعی و همکاری بین‌بخشی در توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین (یافته‌های پژوهش)

بعد	مؤلفه	شاخص
		- تسهیل قوانین برای جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه آموزش - افزایش بودجه آموزش و پرورش به‌ویژه برای مناطق محروم - توسعه برنامه‌های حمایتی برای دانش‌آموزان کم‌برخوردار از طریق تخصیص یارانه‌های آموزشی - ایجاد سیاست‌های حمایتی برای کاهش نابرابری آموزشی بین مناطق شهری و روستایی.
افزایش مشارکت اجتماعی و همکاری بین‌بخشی	افزایش نقش خیرین و سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOها) در حمایت از عدالت آموزشی	- ایجاد صندوق‌های حمایتی برای دانش‌آموزان نیازمند با کمک مشارکت‌های مردمی - حمایت از ساخت و تجهیز مدارس در مناطق محروم توسط خیرین مدرسه‌ساز - تشویق خیرین مدرسه‌ساز برای احداث و تجهیز مدارس در مناطق محروم - تقویت مشارکت‌های مردمی و بخش خصوصی در توسعه زیرساخت‌های آموزشی
	توسعه همکاری بین دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و شرکت‌های خصوصی برای بهبود زیرساخت‌های آموزشی	- ایجاد ارتباط مؤثر بین وزارت آموزش و پرورش، وزارت ارتباطات، وزارت علوم و سازمان‌های حمایتی - همکاری با وزارت صنعت و فناوری برای تأمین تجهیزات آموزشی و توسعه مدارس هوشمند - تعامل با شهرداری‌ها برای توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی در مناطق کم‌برخوردار - کمک به تأمین تجهیزات آموزشی و دیجیتال برای مدارس محروم از طریق مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها

تحقق عدالت آموزشی، فرایندی پیچیده و چندبعدی است که تنها با اتکای صرف به ظرفیت‌های درون‌سازمانی آموزش و پرورش امکان‌پذیر نیست. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با رویکردی جامع‌نگر، مشارکت اجتماعی و همکاری بین‌بخشی را به‌عنوان یکی از اصول راهبردی در دستیابی به آموزش عادلانه، فراگیر و باکیفیت معرفی می‌کند. بر این اساس، عدالت آموزشی زمانی تحقق می‌یابد که نهادهای مختلف جامعه،

از خانواده و مدرسه گرفته تا سازمان‌های دولتی، نهادهای مدنی، بخش خصوصی و رسانه‌ها، در یک سازوکار منسجم و هماهنگ به ایفای نقش بپردازند.

افزایش مشارکت اجتماعی به معنای تقویت نقش خانواده‌ها در فرآیند تعلیم و تربیت، ارتقاء آگاهی عمومی نسبت به حقوق آموزشی، و ایجاد شبکه‌هایی از کنشگران محلی برای حمایت از آموزش دانش‌آموزان محروم است. در همین راستا، همکاری بین‌بخشی نیز می‌تواند با تجميع منابع، کاهش موازی کاری‌ها، و هدفمند کردن اقدامات حمایتی، موجب اثربخشی بیشتر برنامه‌های عدالت محور شود.

نقش‌آفرینی مؤثر دولت و نهادهای حاکمیتی، نه تنها پایه‌گذار یک نظام آموزشی منصفانه و پاسخ‌گوست، بلکه موجب ارتقاء سرمایه انسانی، کاهش فقر آموزشی، افزایش مشارکت اجتماعی، و تقویت انسجام ملی می‌شود. بدون حضور فعال و جهت دهنده دولت، نابرابری‌های ساختاری در آموزش نه تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه می‌تواند عمیق‌تر نیز شود. همچنین افزایش نقش خیرین و سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOها) در عدالت آموزشی به معنای گسترش مشارکت داوطلبانه، مسئولانه و ساختاریافته این نهادهای غیردولتی در تأمین، پشتیبانی و ارتقاء فرصت‌های آموزشی برای همه اقشار جامعه، به‌ویژه کودکان و نوجوانان ساکن در مناطق محروم و کم برخوردار است. در نهایت همکاری میان دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و شرکت‌های خصوصی به‌عنوان الگویی نوین در حکمرانی مشارکتی آموزشی، می‌تواند نقش کلیدی در رفع کمبودهای زیرساختی، ارتقای عدالت آموزشی و افزایش تاب‌آوری نظام آموزشی در برابر چالش‌ها ایفا کند. توسعه این همکاری‌ها نیازمند اراده سیاسی، شفافیت اجرایی و ایجاد سازوکارهای حمایت‌گر است.

جدول ۱۰. ابعاد و مؤلفه‌های اصلاح نظام سنجش و ارزیابی تحصیلی برای توسعه عدالت آموزشی در توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین

بعد	مؤلفه	شاخص
اصلاح نظام سنجش و ارزیابی تحصیلی	اصلاح نظام سنجش و ارزیابی تحصیلی	- طراحی شیوه‌های ارزیابی متناسب با عدالت آموزشی - حذف کنکور محوری و تمرکز بر استعدادها و توانایی‌های دانش‌آموزان - استفاده از داده‌کاوی و تحلیل یادگیری برای شناسایی نقاط قوت و ضعف دانش‌آموزان
	تغییر در نظام ارزشیابی و سنجش تحصیلی	- به‌کارگیری شیوه‌های متنوع ارزشیابی مانند ارزشیابی توصیفی و سنجش عملکردی - توجه به ارزیابی مهارت‌های دانش‌آموزان، نه صرفاً دانش تئوری آن‌ها - توجه به ارزیابی مهارت‌های دانش‌آموزان، نه صرفاً دانش تئوری آن‌ها
	ارزیابی چندبُعدی برای سنجش توانمندی‌های متنوع دانش‌آموزان	- ارزیابی جامع که شامل ابعاد شناختی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی باشد - توجه به استعدادهای هنری، ورزشی، فنی و مهارتی دانش‌آموزان در فرآیند سنجش - طراحی آزمون‌های ویژه برای سنجش هوش‌های چندگانه و توانایی‌های فردی دانش‌آموزان
	اصلاح نظام سنجش و ارزیابی تحصیلی برای توسعه عدالت آموزشی	- تدوین محتوای آموزشی متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناطق مختلف کشور - تدوین فضای انعطاف‌پذیر در برنامه درسی که امکان تطبیق آن با نیازهای محلی و منطقه‌ای وجود داشته باشد - افزایش نقش زبان‌ها و فرهنگ‌های محلی در کتاب‌های درسی برای تقویت هویت فرهنگی دانش‌آموزان
توسعه شبکه‌های ارتباطی بین معلمان، دانش‌آموزان و جامعه	حذف محتوای غیرضروری و افزایش مهارت‌محوری	- کاهش حجم محتوای نظری غیرکاربردی - ایجاد برنامه‌های درسی متناسب با نیازهای بازار کار - افزایش مهارت‌آموزی در مدارس - افزایش نقش فعالیت‌های عملی، کارگاهی و پروژه محور در برنامه درسی
	توسعه شبکه‌های ارتباطی بین معلمان، دانش‌آموزان و جامعه	- برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی بین معلمان، مدیران و خانواده‌ها برای بهبود کیفیت آموزش - راه‌اندازی باشگاه‌های دانش‌آموزی برای مشارکت بیشتر دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری - ایجاد انجمن‌های معلمان برای تبادل تجربه و بهبود روش‌های تدریس - راه‌اندازی شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آموزشی برای ارتباط بهتر معلمان و دانش‌آموزان

نظام سنجش و ارزیابی تحصیلی، به عنوان یکی از ارکان اصلی فرآیند تعلیم و تربیت، نقش تعیین کننده‌ای در جهت دهی به اهداف آموزشی، رفتار معلمان، و مسیر یادگیری دانش آموزان دارد. در این میان، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، با تأکید بر عدالت آموزشی، خواستار بازنگری اساسی در شیوه های سنجش و ارزیابی شده است؛ به گونه ای که این نظام بتواند با در نظر گرفتن تفاوت های فردی، منطقه ای، و فرهنگی، بستر تحقق آموزش عادلانه، انسانی و متنوع را فراهم آورد. در نظام های سنتی، تمرکز بیش از حد بر آزمون های پایانی، نادیده گرفتن هوش های چندگانه، و بی توجهی به رشد مهارت های فردی و اجتماعی، منجر به تضعیف روحیه یادگیری عمیق و افزایش نابرابری میان دانش آموزان با زمینه های اقتصادی، فرهنگی یا جغرافیایی مختلف شده است. چنین رویکردهایی، نه تنها عدالت آموزشی را زیر سؤال می برند، بلکه مغایر با فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی-ایرانی و اهداف سند تحول بنیادین اند.

اصلاح نظام سنجش و ارزیابی تحصیلی به معنای بازنگری اساسی در اصول، روش ها، ابزارها و اهداف ارزشیابی دانش آموزان است؛ به گونه ای که این نظام بتواند عملکرد آموزشی را به صورت جامع، علمی و منصفانه مورد سنجش قرار دهد. همچنین، تغییر در نظام ارزشیابی و سنجش تحصیلی ضرورتی اجتناب ناپذیر برای پاسخ به نیازهای یادگیری قرن ۲۱ و ارتقاء کیفیت و عدالت آموزشی است. این تغییرات، اگر به درستی طراحی و اجرا شوند، می توانند نظام آموزشی را از حالت ایستا و امتحان محور به سوی نظامی پویا، مهارت محور و یادگیرنده محور هدایت کنند. از سوی دیگر، ارزیابی چندبُعدی به رویکردی در نظام سنجش تحصیلی گفته می شود که به جای تمرکز صرف بر نمره و محفوظات درسی، ابعاد مختلف یادگیری و توانمندی های فردی دانش آموزان را مورد بررسی قرار می دهد.

نظام آموزشی به عنوان یکی از ارکان اصلی هر جامعه، نقش اساسی در توسعه فردی و اجتماعی ایفا می کند. عدالت آموزشی به معنای دسترسی برابر به فرصت های آموزشی برای همه اقشار جامعه ضرورت دارد. در بسیاری از جوامع، عدم برابری در

دسترسی به آموزش و کیفیت آن، منجر به تداوم چرخه فقر و نابرابری‌های اجتماعی می‌شود. شرط لازم برای دسترسی به جامعه‌ای متعالی، پویا و توسعه‌یافته، تأمین و بروز مقوله عدالت است. هر قدر پدیده عدالت بیشتر تعمیم یابد و برای گسترش و بسط آن هم‌اندیشی شود، قطعاً به جامعه‌ای پایدار و توسعه‌یافته‌تر منجر می‌شود. از این رو عوامل توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین در شکل شماره ۱ ارائه می‌شود.



شکل ۱. توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین (یافته‌های پژوهش)

۵- بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به‌منظور توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین با انجام شده است. از این‌رو عواملی که توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین می‌شود، شناسایی گردید. یافته‌های تحقیق نشان داد که با توجه به اهمیت عدالت در آموزش، بهبود عدالت آموزشی نیازمند توسعه زیرساخت‌های آموزشی در مناطق کم برخوردار، تأمین معلمان متخصص و افزایش کیفیت نیروی انسانی، استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی، حمایت از دانش‌آموزان محروم و کاهش نابرابری اقتصادی، افزایش مشارکت اجتماعی و همکاری بین‌بخشی، اصلاح نظام سنجش و ارزیابی تحصیلی است.

توسعه زیرساخت‌های آموزشی در مناطق کم برخوردار یک فرآیند پیچیده است که به‌منظور بهبود کیفیت و دسترسی به آموزش در این مناطق طراحی و اجرا می‌شود که هدف آن کاهش نابرابری‌های آموزشی و فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای همه دانش‌آموزان است. در مناطق کم برخوردار، عدم دسترسی به زیرساخت‌های آموزشی می‌تواند منجر به بازتولید نابرابری‌ها در بلندمدت شود. از سوی دیگر، لازمه توسعه عدالت آموزشی تأمین معلمان متخصص و افزایش کیفیت نیروی انسانی است. تأمین معلمان متخصص و افزایش کیفیت نیروی انسانی در نظام آموزشی یکی از ارکان اساسی بهبود کیفیت آموزش و تحقق عدالت آموزشی است. تأمین معلمان متخصص به‌طور مستمر و ارتقاء کیفیت نیروی انسانی نیازمند فرآیندهای جامع در جذب، آموزش، ارزیابی، و نگهداشت معلمان است. در حوزه زیرساخت‌های آموزشی، نتایج تحقیق با یافته‌های پژوهش مرحب الاسدی و همکاران (۲۰۲۴) در کشور عراق تطابق دارد که توسعه فضاهای آموزشی و رفاهی را یکی از مؤلفه‌های اصلی عدالت آموزشی معرفی کرده‌اند. همچنین پژوهش روشن (۱۴۰۳) نیز به عدالت در سطح نهادی و ساختاری پرداخته است، اما تحقیق حاضر با تأکید بر نوسازی و تجهیز هوشمند مدارس، پیشنهادی مشخص‌تری برای سیاست‌گذاران ارائه کرده است.

همچنین با پیشرفت فناوری، بدون استفاده از آن توسعه عدالت آموزشی نیازمند استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی است. این امر به بررسی اهمیت، تأثیرات و ابعاد مختلف استفاده از فناوری‌های نوین در آموزش می‌پردازد. به‌طور کلی، فناوری‌های نوین آموزشی به ابزارها، سیستم‌ها و روش‌های جدیدی اطلاق می‌شود که از طریق فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای بهبود فرآیندهای یاددهی-یادگیری استفاده می‌شود. حمایت از دانش‌آموزان محروم و کاهش نابرابری اقتصادی در نظام آموزشی یکی از موضوعات مهم در تحقق عدالت آموزشی و اجتماعی است. این چارچوب نظری به بررسی علل و پیامدهای نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در آموزش، راهکارهای کاهش این نابرابری‌ها و تأثیر آن‌ها بر فرآیند یاددهی-یادگیری می‌پردازد. در این چارچوب نظری، چندین نظریه اجتماعی و آموزشی وجود دارند که بر حمایت از دانش‌آموزان محروم و کاهش نابرابری‌ها در آموزش تأکید دارند و به‌طور مشترک بر لزوم تأمین فرصت‌های برابر، توزیع عادلانه منابع، و پشتیبانی ویژه از دانش‌آموزان محروم تأکید دارند تا بتوانند به فرصت‌های آموزشی برابر دست یابند و از نابرابری‌های اقتصادی خارج شوند. تحقیق کلانتری و همکاران (۱۴۰۳) با طراحی الگوی عدالت آموزشی مبتنی بر ICT و آموزش ترکیبی، مبنای نظری محکمی فراهم کرده است. یافته‌های تحقیق حاضر این بُعد را بسط داده و پیشنهاداتی چون ایجاد پلتفرم‌های آموزش آنلاین با محتوای بومی و توسعه اپلیکیشن‌های یادگیری را مطرح کرده که نشان‌دهنده نگاه منطقه‌محور و کاربردی پژوهش است.

از سوی دیگر، مشارکت اجتماعی و همکاری بین‌بخشی مفاهیمی هستند که به‌ویژه در زمینه‌های توسعه اجتماعی و آموزشی اهمیت دارند. این مفاهیم به‌ویژه در تلاش برای حل مشکلات اجتماعی، بهبود فرآیندهای آموزشی و تحقق اهداف مشترک در سطح جامعه کاربرد دارند. مشارکت اجتماعی به معنای فعال‌سازی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها در فرآیندهای اجتماعی و تصمیم‌گیری است، درحالی‌که همکاری بین‌بخشی به همکاری و هماهنگی میان سازمان‌ها و نهادهای مختلف در جهت دستیابی به اهداف

مشترک اشاره دارد. در نهایت اصلاح نظام سنجش و ارزیابی تحصیلی به عنوان یکی از اجزای کلیدی در نظام آموزشی، نقش مهمی در تحقق عدالت آموزشی و بهبود کیفیت آموزش ایفا می کند. یافته های پژوهش با دیدگاه های گایرین و تنتوری (۲۰۲۲) در مورد نقش رهبری مدرسه در تحقق عدالت اجتماعی هم جهت است. البته تحقیق حاضر فراتر از سطح مدرسه، به مشارکت خیرین، سازمان های مردم نهاد و دستگاه های دولتی پرداخته و سیاست های مشوقانه برای خیرین آموزشی را پیشنهاد داده است.

بر این اساس در جهت توسعه عدالت آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پیشنهادهای زیر ارائه می شود:

احداث و نوسازی مدارس با رعایت استانداردهای ایمنی و تجهیز مدارس به کلاس های درس هوشمند، کتابخانه، آزمایشگاه، کارگاه مهارت آموزی و فضاهای ورزشی؛ تخصیص بودجه هدفمند و عدالت محور با تعیین ردیف بودجه مستقل برای تجهیز استاندارد مدارس در مناطق محروم؛ اولویت بخشی به جذب معلمان بومی در مناطق کم برخوردار برای کاهش نرخ جابه جایی و ترک خدمت با ارائه بورس تحصیلی و تعهد خدمت برای دانشجویان مستعد تربیت معلم در مناطق محروم؛ توسعه پلتفرم های آموزش مجازی و محتوای الکترونیکی از طریق راه اندازی سامانه های اختصاصی آموزش آنلاین ویژه هر منطقه با محتوای بومی و تولید ویدئوهای آموزشی، اپلیکیشن های یادگیری، و نرم افزارهای شبیه سازی دروس؛ توسعه مدارس شبانه روزی و خوابگاه های ایمن و استاندارد از طریق تجهیز خوابگاه ها به امکانات رفاهی، بهداشتی و آموزشی برای حفظ سلامت و انگیزه دانش آموزان؛ تقویت نقش خیرین مدرسه ساز و مدرسه یار با ارائه مشوق های مالیاتی و معنوی به خیرین آموزشی و راه اندازی کمپین های جمع سپاری برای پروژه های مدرسه سازی، تجهیز و تغذیه دانش آموزان؛ حرکت به سوی ارزیابی چندبعدی و جامع از طریق سنجش ابعاد مختلف مانند: مهارت های تفکر، حل مسئله، ارتباط مؤثر، کار تیمی، خلاقیت.

فهرست منابع

- Cheng, X. (2023). Educational Justice: The Cornerstone of Modern Society. *Science Insights Education Frontiers*, 18(1), 2755-2757.
- Cole, M. (2022). Education, Equality and Human Rights: *Issues of Gender, 'Race', Sexuality, Disability and Social Class*. Taylor & Francis.
- Eslami Harandi, F. & Karimi, F. & Nadi, M.A. (2019). Identifying the components of educational justice in Iran's education system. *Research in Educational Systems*, 13(47), 55–75. (In Persian)
- Mohammadi, R. & Soleimani, A. (2023). A systematic review of educational justice in Iran: Conceptualization, challenges, and indicators. *Journal of Curriculum Studies*, 12(23), 145–170. (In Persian)
- Hemmati, H. (2024). A review of educational justice in Iran's upstream educational policy documents. *Research in Religious and Islamic Education*, 5(2), 41–62. (In Persian)
- Harel, T. & Shahar. (2024). Educational Justice and the Value of Excellence. *Journal of Ethics and Social Philosophy*, 28(3). 483-502.
- Kalantari, F. & Eslampanah, M. & Laei, S. & Mohammadi, S. (2024). Design and validation of an educational justice model based on ICT and blended learning approach in education. *Journal of Technology in Entrepreneurship and Strategic Management*, 3(4), 172–187. (In Persian)
- Karimi, A. & Karamaj, V.A. (2021). Analyzing the achievement of educational and training justice in Kurdistan schools with emphasis on the Fundamental Transformation Document. *School Management Quarterly*, 9(2), 31–55. (In Persian)
- Kheirizadeh, R.A. (2023). *The approach to educational justice in the Fundamental Transformation Document of Education*. Retrieved from. (In Persian).
- Marhab-Al-Asadi, H.J. & Aghakassiri, Z. & Salif, M.A. & Abdollahi, S.M. (2024). Identifying the components of educational justice in the education system of Iraq. *Journal of Educational Leadership and Management*, 18(2), 135–160. (In Persian)

Macleod, C.M. (2010). Development of women's education in Kenya. *International NGO journal*, 5(3), 68-73.

Miliband, D. (2003). Opportunity for all: Are we nearly there yet?. London: Institute for Public Policy Research. Najafi, Z. (2014). *The impact of information technology on equal educational opportunities in Mazandaran Province*. (Master's thesis, University of Sari, Department of Educational Sciences). (In Persian)

Roshan, A.R. (2024). Indicators for assessing justice in higher education. *Iranian Journal of Higher Education*, 16(1), 22-42. (In Persian)

Supreme Council of the Cultural Revolution & Supreme Council of Education. (2011). *Fundamental Transformation Document of Education in Iran*. Tehran, Iran. (In Persian)

Safarijafarloo, H.R. & Afrozeh, M.S. (2021). A model for developing educational justice in sports sciences: A case study of Jahrom University. *Research in Educational Sports*, 9(22), 97-120. (In Persian)

Sabouri-KarKhaneh, H. (2015). *Critique and reform of approaches: The first step toward a justice-based educational system*. Proceedings of the 1st Conference on Educational Justice and Development, Sharif University of Technology. (In Persian)

Safarheidari, H. & Hosseinneshad, R. (2014). Approaches to educational justice: A review of its position in the Fundamental Transformation Document of Iran's education system. *Research Journal of the Foundations of Education*, 4(1), 49-72. (In Persian)

Tirgar, H. & Ebrahimi-Shahgholi, E. (2015). The status and importance of policy formulation in organizations. *Proceedings of the 1st International Conference on Management, Economics, Accounting, and Educational Sciences*, Sari, Iran. (In Persian)

Zhong, C. (2024). Negotiating educational equities: Chinese middle-class parents' distributive justice claims to school choice reform. *Asia Pacific Education Review*, 25(3). 1-12.

Presenting a Model for Developing Educational Justice Based on the Fundamental Transformation Document of Education

Ali Zeynali¹, Ghaffar Tari², Houshang Taghizadeh³

Abstract

Achieving educational justice is one of the key objectives of the Fundamental Reform Document of Education in the Islamic Republic of Iran. Realizing this goal requires a revision of existing policies, structures, and processes within the educational system. Therefore, the present study was conducted with the aim of proposing a development model for educational justice based on the Fundamental Reform Document of Education. This study is developmental–applied in terms of purpose. The research strategy is qualitative, and content analysis was used to analyze the data. Data collection tools included documents, previous studies related to justice in the Fundamental Reform Document of Education, and semi-structured interviews with 14 purposively selected experts, continuing until data saturation was reached. For validation, criteria such as participation, consensus, pluralism, acceptability, and credibility were employed. According to the findings, the development of educational justice based on the Reform Document comprises six dimensions and twenty-two components, including: Development of educational infrastructure in underprivileged areas, Recruitment of specialized teachers and improvement of human resource quality (recruitment of qualified teachers, enhancing teacher motivation, retention in deprived areas, and equitable distribution of teachers across the country), Utilization of modern educational technologies, Support for disadvantaged students and reduction of economic inequality, Enhancement of social participation and inter-sectoral collaboration, Reform of the assessment and evaluation system to promote educational justice. The results of this study indicate that achieving educational justice within the framework of the Fundamental Reform Document requires a reassessment of policy-making, strengthening of executive mechanisms, and attention to regional and individual differences in providing learning opportunities. Institutionalizing the principles of the document can lead to the establishment of an inclusive, balanced, and responsive educational system that meets the diverse needs of students across the country.

Keywords: Educational Justice, Fundamental Reform Document of Education, Equal Opportunities, Underprivileged Areas, Educational Policy-Making

¹ Ph.D. Candidate, Department of Public Administration, Aras International Campus, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

² Assistant Professor, Department of Management, Mara.C., Islamic Azad University, Marand, Iran. Corresponding author: ghaffartari@iau.ir

³ Professor, Department of Management, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. taghizadeh@iaut.ac.ir